

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی دلالت آیه صادقین بر امامت و عصمت ائمه علیهم السلام

نویسنده: سید محمود حسینی و اشان دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی قم

پست الکترونیکی: mhosseiniv@yahoo.com

چکیده:

یکی از مباحث مهم و اصولی مذهب تشیع بحث امامت است. در واقع نقطه شروع افتراق شیعه و سنی، همین مبحث است. از طرف دیگر قرآن منبع مشترک بین تمام مسلمین است. بنابراین اثبات امامت در قرآن هم اهمیت فراوانی دارد و هم کمک شایانی به جامعه مسلمین برای یافتن حقیقت می کند.

از جمله آیاتی که علمای شیعه برای اثبات امامت و عصمت ائمه دوازده گانه مطرح کرده اند آیه ۱۱۹ سوره مبارکه توبه (مشهور به آیه صادقین) است.

از جمله دلایلی که دلالت بر عصمت و امامت ائمه علیهم السلام در این آیه دارد می توان به موارد زیر اشاره کرد: سیاق آیه و ارتباط آن با ماقبل و مابعدش، دلایل عقلی، نکات ادبی و بلاغی موجود در آیه، شواهد تاریخی و روایات فراوانی که مؤید این مطلب است.

برخی از این دلایل آنقدر واضح و روشن است که حتی فخر رازی هم فهم عصمت را از این آیه مسلم می داند اگر چه در مصادیق آن دچار تردید می شود.

واژه گان کلیدی: عصمت، صادقین، امامت، آیه صادقین، امام علی علیه السلام.

مقدمه:

پس از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله دغدغه جانشینی ایشان و هدایت امت اسلامی اساسی ترین مسأله برای تمام مسلمانان به شمار می آمد. جدای از اهدافی که هر گروه دنبال می کرد اما دو فرقه اصلی از همان ابتدا در مقابل هم قرار گرفته، علاوه بر دلیل هایی که برای عملکرد و عقیده خود ارائه داده اند، بهای فراوانی را هم برای دفاع از آن پرداخت نموده اند. از طرف دیگر قرآن منبع مشترک بین تمام مسلمین بوده و هست. بنابراین بررسی ادله قرآنی برای اثبات این بحث، بهترین راهکار برای هر مسلمان منصف خواهد بود، و کمک شایانی به جامعه مسلمین برای یافتن حقیقت خواهد کرد.

ما در این نوشتار برآنیم تا آیه ۱۱۹ سوره مبارکه توبه (مشهور به آیه صادقین) را جهت اثبات امامت و عصمت ائمه دوازده گانه مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین نکاتی که در آیه برای اثبات این مطلب به ما کمک می نماید، استفاده خواهیم کرد.

۱- سیاق آیه (ارتباط آیه با آیات قبل و بعدش):

آیه قبل - چنانکه در کتابهای تفسیر و حدیثی آمده است - درباره افرادی است که از رفتن به جنگ تبوک همراه پیامبر صلی الله علیه وآله تخلف کردند و پس از آن گرفتار ندامت و پشیمانی شده، توبه کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۸، ۱۷۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ۲، ۸۶۱؛ طوسی، ۱۳۷۲، ۵، ۳۱۶).

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (توبه، ۱۱۸)

«(همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند)، تا آن حدّ که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد؛ (حتّی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی یافتند؛ (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز بسوی او نیست؛ سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است!»

در آیه بعد هم خداوند می فرماید: «ما كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ مَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ...» (۱۲۰، توبه).

«سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیه نشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلف جویند...» آنگاه ارزش سختی ها و تشنگی ها و گرسنگی هایی را که در راه خدا متحمل می شوند یادآور می شود .

در این آیات مهم ترین مطلبی که بر آن تاکید شده عدم مخالفت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. به عبارت دیگر تخلف و سرپیچی از رسول خدا را مایه گمراهی و ضلالت می شمارد و حق تخلف از رسول خدا را از آنها سلب می نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹، ۴۰۳) توجه به سیاق آیات کمک شایانی در فهمیدن معنای این آیه خواهد کرد که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

۲- بررسی متن آیه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه، ۱۱۹)

در این آیه کریمه (آیه مورد بحث) مؤمنان را مخاطب ساخته و می فرماید «ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، و با صادقان باشید».

این آیه دو قسمت دارد که ابتدا قسمت اول آن را مختصراً توضیح داده و سپس به قسمت دوم آیه می‌پردازیم.

۲-۱) قسمت اول آیه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ...»

در این قسمت از آیه شریفه، که مخاطب آن مؤمنین و مسلمانان هستند خداوند نخست به آنها دستور می‌دهد که تقوای الهی را پیشه کنند. تقوایی که بالاترین سرمایه محسوب می‌شود، و میزان ارزش انسان‌هاست و هر چه انسان درجه عالی‌تری از تقوی داشته باشد به خداوند نزدیک‌تر شده و نزد خداوند محبوب‌تر خواهد بود چنان‌که در سوره حجرات می‌خوانیم: «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!».

آری این تقوی است که جواز ورود به بهشت شمرده شده است: «تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا». (مریم، ۶۳) «این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می‌دهیم».

این قسمت آیه اشاره به اعمال و رفتار انسان دارد ولی قسمت دوم آیه اشاره به اعتقادات انسان دارد که علامه شبر نیز در ذیل آیه به این مطلب اشاره می‌کند (شبر، ۱۴۱۲، ۲۱۴) علامه شبر معتقد است قسمت اول آیه مربوط به صحیح‌العمل و قسمت دوم آیه به صحیح‌الاعتقاد اشاره دارد. بنابراین اگر قسمت دوم آیه دلالت بر صحیح‌الاعتقاد باشد موضوع اعتقادی خواهد بود نه عملی و رفتاری یعنی قسمت دوم آیه مربوط به اعتقادات است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۲-۲) قسمت دوم آیه: «... وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

دومین دستوری که خداوند در این آیه به مؤمنان می دهد این است که: همراه صادقین (راستگویان) باشید.

این جا سؤالی که مطرح است این است که منظور از صادقین چه کسانی هستند؟ قبل از ورود به بحث باید معنای لغوی صدق و موارد کاربرد قرآنی آن را مورد بررسی قرار می دهیم تا ببینیم که آیا واژه (صدق) فقط راستگویی در گفتار را شامل می شود یا معانی دیگری هم دارد.

واژه صدق در لغت:

راغب در مفردات می گوید: «ويعبر عن كل فعل فاضل ظاهرا و باطنا بالصدق، فيضاف اليه ذلك الفعل الذي يوصف به نحو قوله ...» (راغب اصفهانی، بی تا، ۴۷۹) از هر کار پسندیده ای که در ظاهر و باطن خوب و پسندیده باشد به صدق تعبیر می شود و موصوف آن به صدق اضافه می شود.

ابن منظور در لسان العرب «صدق» را نقیض کذب، معنا کرده است و یکی از موارد آن را «مرد درست در مقابل مرد نادرست» ذکر کرده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰، ۱۹۳) علامه مصطفوی بعد از تحقیق و بررسی در باره کلمه صدق، آن را به معنی «تمامیت، صحت از خلاف و همراه با حق بودن» معنا کرده است. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۶، ۲۱۵)

موارد استعمال واژه صدق در قرآن:

موارد استعمال کلمه «صدق» در قرآن علاوه بر راستگویی در سخن و کلام، راستگویی در رفتار و اندیشه و اعتقاد و معانی دیگر را هم در بر می گیرد که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می کنیم:

۱- «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعراء، ۸۴) و برای من در میان امتهای

آینده، زبان صدق و ذکر خیر قرار ده!

در این آیه «صدق» به معنی راستگویی در گفتار و ذکر خیر بکار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵، ۲۶۲).

۲- «و بشر الذین آمنوا أن لهم قدم صدق عند ربهم» (یونس، ۲) و به کسانی که ایمان آورده اند بشارت بده که در درگاه الهی سابقه نیک و راست دارند.
در این آیه، «صدق» صفت «قدم» قرار گرفته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۰، ۹)

۳- «ولقد بوأنا بنی اسرائیل مبعو صدق» و به راستی ما بنی اسرائیل را در جایگاه نیکو منزل دادیم. (یونس، ۹۳)
«فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر، ۵۵) در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر!
صدق در این دو آیه به معنی جایگاه صدق استعمال شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۳، ۸۰)

۴- «وَقُلْ رَبُّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا» (اسراء، ۸۰) و بگو پروردگارا! مرا (در هر کاره) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حجتی یاری کننده برایم قرار ده
صدق در این آیه به معنی «ورود و خروج صادقانه در کارها» بکار رفته است و دلالت بر این دارد که صدق شامل راستی در رفتار و کردار هم می شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۳، ۱۷۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲، ۲۲۶).

با توجه به آنچه که ذکر شد، مفهوم لغوی و اصطلاح قرآنی کلمه «صدق» دارای معنای گسترده ای است که شامل راستگویی در گفتار، کردار و اعتقاد و معانی دیگر هم می شود. لذا فقط اختصاص به راستگویی در گفتار ندارد.

اکنون که با معنای لغوی و اصطلاحی صدق آشنا شدیم سؤالی که پیش می آید اینست که مراد از صادقین چه کسانی هستند و در چه جاهایی باید همراهشان بود و از آنها پیروی کرد؟

شیعه معتقد است که منظور از «صادقین» در این آیه شریفه هر انسان راستگویی نیست، بلکه افراد خاصی را شامل می‌شود. دو قرینه و دلیل بر این ادعا وجود دارد:

۱- اگر «صادقین» به معنای عام باشد و افراد خاصی مد نظر نباشد، باید می‌فرمود: «کونوا من الصادقین» نه «مَعَ الصَّادِقِينَ» چون همه انسان‌ها باید راستگو باشند، نه این که صرفاً همراه راستگویان باشند؛ بنابراین، از آن جا که «مَعَ الصَّادِقِينَ» گفته شده و پیروی از آنها لازم گشته، معلوم می‌شود، منظور از صادقین افراد خاص و برجسته‌ای هستند که پیروی از آنها لازم گردیده است.

۲- ظاهر آیه نشان می‌دهد این همراهی و پیروی بی‌قید و شرط است. چون هیچ قیدی نروده، جمله را مطلق بیان کرده است.

زمانی که امر به همراهی و پیروی از صادقین بی‌قید و شرط است، یقیناً صادقین در آیه، ضمانت الهی دارند و مصون از خطا و اشتباه هستند، چون اگر معصوم نباشند مسلمانان نمی‌توانند همیشه از آنها پیروی کنند، بلکه به هنگام اشتباه، خطا و گناه، باید از آنها جدا گردند. (مکارم، ۱۳۸۳، ۱۰۳)

علامه طباطبایی در تفسیر گران سنگ المیزان ذیل آیه می‌فرماید: «کلمه (صدق) در اصل به معنای این است که گفتار و یا خبری که داده می‌شود با خارج مطابق باشد، و آدمی را که خبرش مطابق با واقع باشد (صادق) می‌گویند. و لیکن از آنجایی که به‌طور استعاره و مجاز اعتقاد، عزم و اراده را هم قول نامیده‌اند در نتیجه صدق را در آنها نیز استعمال کرده، انسانی را هم که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می‌کند با اراده و تصمیمش مطابق باشد و شوخی نباشد، صادق نامیده‌اند. و اطلاق امر به تقوی و اطلاق کلمه (صادقین) و همچنین اینکه به‌طور مطلق فرموده: با صادقین باشید - با اینکه معیت و با کسی بودن به معنای همکاری کردن و پیروی نمودن است - همه قرینه‌هایی هستند که دلالت می‌کنند بر

اینکه مقصود از صدق، معنای مجازی و وسیع آن است، نه معنای لغوی و خاص آن». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹، ۴۰۲)

در نتیجه یا باید همراهی و اطاعت از صادقین مطلق باشد و «صادقین» مقید به افراد خاصی باشد و یا این که «صادقین» مطلق باشد و شامل تمام راستگویان شود و همراهی و پیروی از آنان مقید گردد. و طبق دو قرینه‌ای که گذشت، همان احتمال اول صحیح است؛ بنابراین «صادقین» مقید است و منظور از آن افراد خاصی است، ولی همراهی و پیروی از آن افراد خاص، مطلق است و در تمام زمینه‌ها باید از آنها پیروی کرد.

علاوه بر این سیاق آیات نیز بر این مطلب اشاره دارد. زیرا در آیات قبل و بعد این آیه تاکید بر اطاعت از رسول خدا و عدم تخلف از دستورات ایشان دارد و زمانی که می‌فرماید «کنونا مع الصادقین» سیاق آیات بیان‌گر اینست که ملائک تقوا و هدایت پیروی از رسول خدا و افراد خاصی است.

در آیه قبل تنها علت سخت‌گیری بر این افراد را تخلف می‌داند. در آیه بعد نیز به همین نکته اشاره می‌کند؛ بنا بر این سزاوار نیست که مقصود از (مع الصادقین) را (راستگو باشید) بدانیم بلکه محور سیاق آیات تخلف و اطاعت است. به این صورت که در آیه قبل می‌فرماید مجازات متخلف از رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت‌گیری است؛ در آیه صادقین تاکید می‌کند که ملائک تقوا همراهی با راستگویان است و در آیه بعد (توبه، ۱۲۰) نیز بر عدم تخلف از رسول خدا صلی الله علیه و آله تاکید می‌کند که در بحث سیاق آیه توضیح کامل ارائه شد.

دلالت آیه بر عصمت صادقین

(دلیل عقلی)

علامه حلی می‌فرماید:

خداوند تعالی امر کرده به همراه بودن با صادقین. صادقین یعنی کسانی که معلوم الصدق باشند (صدقشان ثابت شده باشد) و این امر جز در حق معصوم تحقق نمی یابد. چون غیر معصوم صدقش معلوم نگشته و غیر از علی علیه السلام معصومی نیست به اجماع همه علما». (حلی، ۱۳۸۲، ۱۹۷)

کلام علامه حلی به صراحت اشاره به عصمت صادقین دارد. این مطلب در منابع زیادی از کتب شیعی آمده است^۱.

حتی فخر رازی که یکی از علمای متعصب اهل سنت است معنی عصمت را از این آیه مسلم دانسته اما در مصادیق باز بر همان تعصبش پافشاری می کند و در تفسیر این آیه می گوید «صادقین» باید معصوم باشند، به خاطر اینکه اطاعت مطلق از غیر معصوم صحیح نیست. علاوه بر این معتقد است که آیه اختصاص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد، بلکه در هر عصر و زمانی «صادقین معصوم» وجود دارند، که اطاعت از آنها بر همه واجب است (رازی، ۱۴۲۰، ۶، ۱۶۶). ولی ایشان به هنگام مشخص کردن مصداق، می گوید: «من نمی توانم فرد خاصی را برای «صادقین» بیان کنم، پس به ناچار آن را به «مجموع امت اسلامی» تفسیر می کنم یعنی اگر امت اسلامی در یک مسأله اتفاق نظر داشت و اجماعی در مورد آن صورت گرفت بر همه واجب است از آن تبعیت کنند». (همان)

پس طبق عقیده فخر رازی، معنای «کونوا مع الصادقین» این می شود که «در هر عصر و زمان با مجموعه امت اسلامی» باشید و از آن جدا نشوید زیرا اجتماع و گفتار امت اسلامی بر یک مسئله ای حق است و از خطاء و اشتباه در امان است چون اجتماع این امت از مقام

۱- مکارم شیرازی، ۸، ۱۸۱؛ عروسی حویزی، ۲، ۲۸۰؛ بحرانی، ۲، ۸۶۳؛ صادقی تهرانی، ۱۳، ۳۳۲؛ فضل الله، ۱۱، ۲۳۶؛ طباطبایی، ۹، ۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴، ۳۱ و...

عصمت برخوردار است پس اطاعت و همراهی از این مجموعه صحیح است و تخلف از آن بر هیچ کس جایز نیست.

در پاسخ به این سخن فخر رازی باید گفت: اولاً: این تفسیر و برداشت در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و به هنگام نزول آیه نیز به ذهن اصحاب و یاران پیامبر متبادر نمی‌شد، زیرا اساساً مسئله «اجماع» پس از قرن اول مطرح شد، حال چگونه در آن زمان، از این آیه «اجماع امت» برداشت می‌شد؟!

دوماً: به دست آوردن اجماع امت اسلامی چیز محالی است چگونه ممکن است با گسترش حوزه اسلام نظرات امت اسلامی را در باره یک مسئله در یک جا جمع کرد و آن را ملاک همراهی و تبعیت قرار داد و ممکن نیست همه امت در مسائل گوناگون یک نظر واحدی داشته باشند بلکه بسیاری از مردم و علمای امت افکار و نظراتشان با هم متفاوت است.

سوماً: اگر این قول فخر رازی درست باشد چرا تا به حال چنین اجماعی درباره یک مسئله یا جریان از مجموع امت اسلامی در تاریخ ثبت نشده است.

بنابراین آنچه این جا محل بحث است اینست که علمای شیعی^۱ و حتی بسیاری از علمای اهل سنت^۲ برداشت معنی عصمت را از این آیه را مسلم دانسته اند.

مصادیق آیه:

اما اینکه مصداق صادقین در آیه چه کسانی هستند از دل آیه برداشت نمی‌شود بلکه باید به روایات مراجعه کنیم تا مقصود از صادقینی که تبعیت از آنها به طور مطلق امر شده و دارای صفت عصمت می‌باشند را در روایات بیابیم.

۱- رجوع به صفحه قبل همین مقاله.

۲- رازی، ۱۴۲۰، ۱۶، ۱۶۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۴، ۲۰۴.

منابع شیعی مصداق این آیه را امیرمؤمنان علیه السلام و یازده فرزندش علیهم السلام می دانند و این آیه را یکی از دلایل امامت، و عصمت آنها به شمار می آورند به ویژه اینکه این آیه در سال دهم هجرت، در اواخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است که بیشتر با ولایت و خلافت حضرت علی علیه السلام تناسب دارد. در اینجا به چند نمونه از این روایات اشاره می کنیم:

در تفسیر «نورالثقلین» در ذیل آیه صادقین، روایات فراوانی را نقل می کند که مصداق آیه، حضرت علی علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام می باشند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۲، ۲۸۰-۲۸۱).

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند «منظور از صادقین در آیه، علی بن ابی طالب علیه السلام است» (همان).

در روایت دیگر سلمان می گوید: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که آیه صادقین نازل شد، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا صادقین عام است، یا افراد خاصی منظور است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خطاب آیه عام است و مخاطب، مؤمنان هستند که مأمور عمل به آیه می باشند، ولی صادقین خاص هستند و آن، مخصوص برادرم علی علیه السلام و اوصیای من تا روز قیامت است» جمع حاضر کلام رسول خدا را تایید کردند و همگی گفتند: «اللهم نعم» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۲، ۲۸۰-۲۸۱)

در حدیث سوم آمده است که وقتی در باره قول خدا در این آیه سؤال شد حضرت فرمودند: «خدا در این آیه ما را تنها قصد کرده است (همان، ۲/۲۸۱) و...

علامه حلی نیز به این مطلب که مراد از این آیه امام علی و ائمه بعد ایشان باشند اشاره می کنند. (حلی، ۱۳۸۲، ۱۹۷)

در سایر تفاسیر و کتب شیعی نیز روایات فراوانی بر این مطلب ذکر شده است^۱.

البته در کتب اهل سنت هم روایاتی دیده می شود که شان نزول آیه را فقط امام علی علیه السلام می دانند.

حاکم حسکانی، که از محدثان و حافظان بزرگ اهل سنت است و ذهبی از او به امام محدث، و حنفی یاد می کند (ذهبی، بی تا، ۱۸، ۲۴۵)، در کتاب «شواهد التنزیل» چندین روایت ذکر می کند که مراد از صادقین فقط پیامبر و امام علی و اولادش علیهم السلام هستند. ما به ذکر یک روایت که از ابن عباس نقل کرده است اکتفا می کنیم؛ عن ابن عباس فی قوله: اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ قَالَ: «نزلت فی علی بن ابی طالب خاصة» (حسکانی، ۱۴۱۱، ۱، ۳۴۲-۳۴۵).

ثعلبی، قندوزی، کشفی ترمزی، خوارزمی و گنجی نیز در کتبشان چند روایت نقل می کنند که مراد از صادقین فقط پیامبر و امام علی و اولادش علیهم السلام هستند. (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ۵، ۱۰۹؛ قندوزی الحنفی، ۱۴۱۶، ۱۱۹؛ کشفی ترمزی، ۱۳۸۰، ۴۲؛ خوارزمی، ۱۴۱۱، ۱، ۲۴۸؛ گنجی، بی تا، ۲۳۶).

هر چند عده ای دیگر مانند سیوطی در تفسیر «الدر المنثور» و قرطبی در «جامع الاحکام» مصادیق مختلفی مثل پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش، ابوبکر و عمر و اصحاب آن دو، کعب بن مالک و مرارة بن ربیع و هلال بن امیة و علی بن ابی طالب علیه السلام، را ذکر کرده اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ۳، ۲۸۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۸، ۲۹۰).

^۱ - فرات کوفی، ۱۴۱۰، ۱، ۱۷۲؛ قمی، ۱۳۶۳، ۱، ۳۰۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۲، ۳۸۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۵، ۱۲۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۵، ۵۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۸، ۱۸۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ۲، ۸۶۳؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۱۳، ۳۳۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹، ۴۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴، ۳۱-۳۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲۰۸-۲۱۱؛ سلطان الواعظین، ۱۳۷۹، ۵۹۹ و...

که با توجه به زندگی نامه این افراد تنها افرادی که معصوم هستند پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی و اولادش علیهم السلام هستند.

علامه تهرانی در همین زمینه می فرماید «چون صادقین جمع است نمی تواند فقط شخص پیامبر صلی الله علیه و آله مراد باشد و هیچ کس قائل به عصمت خلفا و ائمه اربعه نشده است ولی همه علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت عصمت ائمه دوازده گانه را پذیرفته اند پس صادقین فقط این افراد را شامل می شود» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۱۳، ۳۳۳)

همان طور که در منابع شیعی و برخی منابع اهل سنت بیان شد، مصداق «صادقین» از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به طور صریح برای مردم معرفی شده است، تا در همراهی با صادقین دچار سردرگمی و اشتباه نشوند. بنابراین صادقین تنها حضرت علی علیه السلام و یازده فرزندش می باشند.

۳- تفسیر صادقین با آیات دیگر قرآن

خداوند در آیه ۱۵ سوره حجرات، در معرفی «صادقین» می فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»

(مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند؛ آنها «صادقین» و راستگویانند).

طبق این آیه شریفه، «صادقین» علاوه بر ایمان به خدا و رسول، و به تعبیر دیگر، ایمان به مبدأ و نبوت، که همه مسلمانها داشتند، دارای دو ویژگی دیگر بودند که آنها را از سایر مسلمانان ممتاز می کرد:

نخست این که پس از ایمان به مبدأ و نبوت، حتی برای لحظه‌ای شک و تردید به خود راه ندادند و در تمام مراحل زندگی این ایمان قوی و مستحکم را حفظ کردند. دیگر این که ایمان مذکور در مرحله قلب و زبان متوقف نشد، بلکه آثار آن در عمل نیز ظاهر گشت، بدین جهت تنها و تنها بخاطر رضایت خداوند، نه انگیزه‌های دیگر، با مال و جانشان در راه خداوند جهاد کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ۱۰۶)

با مطالعه تاریخ صدر اسلام و شأن نزول برخی آیات قرآن به این حقیقت می‌رسیم: شخصی که دارای این ویژگیها باشد، تنها علی بن ابی طالب صلی الله علیه و آله است؛ زیرا سراسر زندگی علی جهاد با مال و جان است و او هرگز، حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن، در ایمان خود شک و تردید نکرد. برای تایید این مطلب فقط به چند آیه اشاره می‌کنیم:

۱- «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره، ۲۰۷) «بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (ع) در «لیله المیبت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».

شأن نزول این آیه در تمامی تفاسیر شیعه خوابیدن امام علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است که ما یک روایت را ذکر می‌کنیم: فی أمالی شیخ الطائفة قدس سره الی حکیم بن جبیر عن علی بن الحسین علیه السلام فی قول الله عز و جل: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ قَالَ: نزلت فی علی علیه السلام حین بات علی فراش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۱، ۲۰۴) (در امالی صدوق به حکیم ابن جبیر از علی بن حسین علیه السلام در مورد آیه ومن الناس... پرسیده شد، حضرت فرمود: این آیه نازل شده در مورد امام علی علیه السلام زمانی که در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابید).

اگر علی علیه السلام کمترین شک و تردیدی نسبت به خداوند یا رسول او داشت، قطعاً حاضر نمی شد این گونه جان خود را به خطر بیندازد.

۲- «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰) «به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «ترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است».

پیرامون شأن نزول این آیه نیز به ذکر یک روایت بسنده می کنیم: شب‌نجی، دانشمند معروف اهل سنت، در کتاب نور الابصار می گوید: علی پس از جنگ احد، هنگامی که خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، عرض کرد: در آن لحظات سخت و طوفانی نبرد تن به تن با مشرکان، شانزده ضربه بسیار سنگین بر من وارد شد، که بر اثر آن ضربات چهار بار نقش بر زمین شدم! هر بار شخصی نورانی مرا از زمین بلند می کرد و می گفت: «برخیز و به حمایت از رسول خدا پرداز!»، یا رسول الله! او چه کسی بود؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چشم‌ت روشن و خوش‌شا به حالت، او جبرئیل امین بوده است» (شب‌نجی، بی تا، ۷۳)

این حادثه، هم جهاد با مال و جان علی علیه السلام را در حد اعلان نشان می دهد و هم ایمان قوی و تردیدناپذیر آن حضرت به خداوند منان و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و وعده‌های قرآن مبنی بر پیروزی نهایی اسلام بر مشرکان.

۳- آیاتی همچون (مائده، ۳، ۵۵، ۶۷) و... به خوبی می تواند هر انسان منصفی را در پیدا نمودن مصداق صادقین راهنمایی کند، که بخاطر طولانی شدن بحث، از ذکر آن خود داری، و توصیه می شود به شأن نزول این آیات مراجعه شود.

بنابراین اگر آیات قرآن را به هم پیوسته، منسجم و هماهنگ با هدف والای الهی بدانیم و معتقد باشیم بهترین روش تفسیر، تفسیر قرآن به قرآن است حل این مساله اساسی نیز کار پیچیده ای نخواهد بود.

بررسی چند نکته:

نکته اول:

اگر در روایتی حضرت علی علیه السلام مصداق راستگویان ذکر شده است، این بدان معنا نیست که آیه را فقط به ایشان تطبیق کنیم و صادقین را مقید به زمان آن حضرت کنیم و آینده را خالی از صادقین فرض کنیم بلکه اگر در روایتی نام حضرت به تنهایی ذکر می شود، بخاطر این است که هنگام نزول آیه، اولین مصداق «صادقین» حضرت علی علیه السلام بوده است.

نکته دوم:

برخی گفته اند قرآن حی لا یموت است و اختصاص به زمان خاص و قوم خاصی ندارد در حالی که اگر مصداق آیه امام علی علیه السلام باشد این با حی بودن قرآن تناقض دارد چون امام علی علیه السلام زنده نیستند که بگوییم مصداق زنده این آیه هست و علاوه بر این مخصوص زمان خاصی می شود (رازی، ۱۶، ۱۶۶).

در جواب باید گفت همان طور که روایات آمده بود^۱ مصداق این روایت ائمه معصومین علیهم السلام هستند که یکی از آن بزرگواران امام زمان حضرت مهدی عجل الله هستند. و طبق نظر شیعه زنده و حاضرند و مصداق حی و زنده این آیه هستند که اطاعت از ایشان در تمام امور لازم و واجب است.

بنابر این هیچ تناقضی وجود ندارد، البته برای کسی که اندک تاملی داشته باشد و تعصبات را بر تعقلات ترجیح ندهد.

۱ - رجوع به صفحه ۱۲

نکته سوم:

در برخی کتب حدیثی و تفسیری اهل سنت احادیثی وارد شده است که در آنها «صادقین» به ابی بکر و عمر یا پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب وی تفسیر شده است، از جمله: «وأخرج ابن جریر عن سعید بن جبیر فی قوله وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ قَالَ مع ابی بکر و عمر رضی الله عنهما». (سیوطی، ۱۴۰۴، ۳، ۲۸۹)

اولاً: سند این احادیث حتی در منابع خود اهل سنت ضعیف شمرده شده مثلاً جویر بن سعید ازدی که در سند این حدیث است ابن حجر در تهذیب التهذیب از افراد بسیاری از بزرگان علم رجال مانند ابن معین و ابی داود و ابن عدی و نسائی تضعیف وی را نقل کرده است. (عسقلانی، بی تا، ۲، ۱۲۳).

ثانیاً: از خود آیه و شواهد آن دانستیم که صادقین در آیه، معصومانی هستند که به همراهی با آنان امر شده است. بنابراین شکی نیست که افرادی مانند ابوبکر و عمر و اصحاب آنان که بنا به اجماع شیعه و اهل سنت از عصمت بی بهره اند، نمی توانند مشمول لفظ "صادقین" شوند. چون معصوم نیستند.

ثالثاً: در منابع شیعه اثری از این احادیث نیست. لذا حتی می توان گفت از مصادیقی که شیعه و سنی بر آن متفقند امام علی علیه السلام است لذا ما اگر به قدر متیقن از روایات فریقین هم اکتفا کنیم باز هم باید امام علی علیه السلام را مصداق آیه بدانیم.

نکته چهارم (دلیل ادبی):

برخی مفسرین با استناد به قرائت عبدالله بن مسعود کلمه «مع» در آیه را به معنای «من» تفسیر کرده اند به این معنی که مؤمنان باید پرهیزکار و راستگو باشند (رشید رضا، ۱۴۱۴، ۱۱، ۷۵).

بر فرض که کلمه «مع» در ادبیات عرب به معنای «من» به کار رفته باشد، لکن چنین کاربردی غیر رایج بوده و در مورد بحث نیازمند دلیل است، در حالی که چنین دلیلی

وجود ندارد که در این آیه مع به معنای من باشد و علاوه بر این قرائت عبدالله بن مسعود در این باره نیز شاذ و غیر قابل اعتماد است.

سیاق آیات نیز همان‌طور که قبلاً اشاره شد، دلالت بر معیت با صادقین دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری:

با بررسی آیه صادقین موارد ذیل استنتاج می شود:

۱- صدق عام است لذا در تمام جوانب زندگی باید صادق باشند و این صدق همان معنای عصمت است لذا «صادقین» دارای مقام عصمت هستند و مصون از خطا و گناه و اشتباه می باشند.

۲- صادقین عده‌ای خاص و معین هستند.

۳- صادقین در هر عصر و زمانی وجود دارند و اختصاص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ندارند.

۴- نکات فوق از خود آیه شریفه استفاده می شود، ولی مصداق «صادقین» از خود آیه روشن نمی شود، بلکه باید از روایات کمک بگیریم.

۵- با توجه به روایات فریقین، آیات دیگر قرآن و متون تاریخی مصداق این آیه امام علی و ائمه هدی علیهم السلام هستند.

۶- مصداق حاضر و زنده این آیه امام زمان عجل الله هستند.

۷- همان طور که در تفسیر شبر هم آمده بود قسمت اول آیه مربوط به صحیح العمل می شود و قسمت دوم آیه مربوط به صحیح الاعتقاد است پس نمی توان آن را همسان تقوی گرفت بلکه باید معنای اعتقادی یعنی اطاعت از معصومین گرفت.

بنابر این بدون هیچ تردیدی یکی از آیاتی که دلالت بر عصمت و امامت ائمه علیهم السلام دارد آیه صادقین است.

منابع:

- ۱- القرآن الكريم.
- ۲- القرآن الكريم، ترجمه مكارم شيرازى، ناصر، ۱۳۷۳ ش، قم، دار القرآن الكريم (دفتر مطالعات تاريخ ومعارف اسلامى)، چ دوم.
- ۳- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلمية، چ اول.
- ۴- ابن منظور، ابو الفضل، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ سوم.
- ۵- بحراني، هاشم بن سليمان، ۱۴۱۶ ق، البرهان فى تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت، چ اول.
- ۶- ثعلبى نيشابورى، ابو اسحاق احمد بن ابراهيم، ۱۴۲۲ ق، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چ اول.
- ۷- حسكاني، عبيد الله بن احمد، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق: محمد باقر محمودى، تهران، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامى، چاپ اول.
- ۸- حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، ۱۳۸۲ش، كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد قسم الالهيات، تحقيق: آيت الله سبحانى، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ دوم.
- ۹- خوارزمى، موفق بن احمد، ۱۴۱۱ ق، المناقب، قم، جامعه مدرسين.
- ۱۰- ذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد، بى تا، سير أعلام النبلاء، بى جا، مؤسسه الرساله.

- ۱۱- رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- ۱۲- راغب الاصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، الدار القلم، چاپ اول.
- ۱۳- رشید رضا، محمد، ۱۴۱۴ ق، تفسیر المنار، دار المعرفه، بیروت، لبنان.
- ۱۴- زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۸ ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت، دار الفکر المعاصر، چاپ دوم.
- ۱۵- سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۷۹ ش، شبهای پیشاور در دفاع از حریم تشیع، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ سی و نهم.
- ۱۶- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ۱۷- شبر، سید عبد الله، ۱۴۱۲ ق، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار البلاغه للطباعة و النشر، چاپ اول.
- ۱۸- شبلنجی، مومن بن حسن مومن، بی تا، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، قاهره، مطبعه المیمیه.
- ۱۹- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵ ش، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چ دوم.
- ۲۰- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۱- طبرسی، علی الفضل ابن الحسین، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.

- ۲۲- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ۲۳- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ۲۴- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، ۱۴۰۴ هـ، تهذیب التهذیب، بی جا، دار الفکر، چ اول.
- ۲۵- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چ اول.
- ۲۶- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، چ دوم.
- ۲۷- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴ ش، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چ اول.
- ۲۸- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول.
- ۲۹- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، سوم.
- ۳۰- قندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ ق، ینابیع الموده لذوی القربی، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، بی جا، دار الاسوه للطباعه والنشر، چاپ اول.
- ۳۱- کشفی ترمذی، محمد صالح بن عبد الله، ۱۳۸۰ ش، مناقب مرتضوی: در مناقب شاه اولیا، امیر المؤمنین علی مرتضی علیه السلام، تهران، روزنه.
- ۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چ چهارم.

- ۳۳- گنجی، محمد بن یوسف، بی تا ، کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام، محقق: امینی، محمد هادی، تهران، دار احیاء تراث اهل البيت عليهم السلام.
- ۳۴- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- ۳۵- مصطفوی، حسن، ۱۴۰۲ ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز الكتاب للترجمة و النشر، چاپ اول.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۳ ش، آیات الولاية فی القرآن، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع)، چاپ اول.
- ۳۷- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.